



اشاره:

مقاله حاضر که به بررسی برنامه‌ریزی در سیره آیت‌الله مصباح یزدی پرداخته است، نوشته حجت الاسلام محمدحسین جعفری، دکتری مدیریت گرایش خطمشی‌گذاری عمومی و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی «ره» است.

۱. آینده‌نگری و تیزبینی:

برنامه‌ریزی را به طور خلاصه می‌توان به تصمیم‌گیری درباره آینده تعریف کرد. در برنامه‌ریزی مدیر برای آینده خود و سازمان خود تصمیم می‌گیرد و مشخص می‌کند که هدف نهایی چیست و برای دستیابی به هدف نهایی، مسیر حرکت آینده چیست؟ برای برنامه‌ریزی مدیر باید به دقت و با واقع بینی، هدف سازمان خود در زمان مشخص را به صورت معین و شفاف مشخص کند و در مرحله بعد باید گام‌های رسیدن به آن هدف را پیش‌بینی نماید و مسیر دستیابی به هدف را به گونه‌ای ترسیم کند که افراد سازمان در هر زمان بدانند که در آن زمان چه کاری را و به چه شکلی باید انجام دهند. طبیعی است که برای چنین کاری لازم است، مدیر سازمان دید درست و دقیقی نسبت به آینده داشته باشد و بتواند با تیزبینی و آینده‌نگری هم هدف درستی را مشخص نماید و هم مسیر دستیابی به هدف را به درستی ترسیم کند.

یکی از ویژگی‌های برجسته استاد مصباح که مقام معظم رهبری ایشان را متصف به عنوان مدیری شایسته کرد؛ آینده‌نگری دقیق ناشی از تیزبینی ایشان بود. اکنون که بعد از گذشت چند دهه از فعالیت ایشان در جایگاه مدیریت یک مجموعه علمی، اگر به این سابقه‌ی مدیریتی طولانی ایشان نظر کنیم، به خوبی می‌توانیم عمق آینده‌نگری و تیزبینی ایشان را درک کنیم. امروزه اهمیت و جایگاه علوم انسانی در اداره نظام اسلامی بر بسیاری از افراد آشکار و روشن

برنامه‌ریزی در سیره آیت‌الله مصباح یزدی

محمدحسین جعفری

برنامه‌ریزی، یکی از وظایف مهم و شاید مهم‌ترین وظیفه هر مدیری است. بی‌شک یکی از ابعاد مهم مدیریت شایسته، شایستگی در برنامه‌ریزی است. اگرچه همه مدیران در سطحی که مدیریت می‌کنند و بلکه اکثر افراد در زندگی شخصی خود، به نوعی برنامه‌ریزی می‌کنند؛ اما برنامه‌ریزی صحیح و دقیق کار هر کسی نیست. برای این که یک شخص بتواند به نحو صحیح برنامه‌ریزی کند لازم است از ویژگی‌های شخصیتی و مهارتی چند برخوردار باشد. حضرت استاد علامه مصباح یزدی رحمه‌الله علیه که مقام معظم رهبری از ایشان به عنوان مدیری شایسته یاد می‌کنند از معدود علمایی بودند که از این ویژگی‌ها و مهارت‌ها در سطح عالی برخوردار بودند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

۳. توجه به واقعیت‌های محیطی و تغییرات آن

از عوامل بسیار مهم و تاثیرگذار در برنامه‌ریزی سازمان خصوصا در سطح کلان و استراتژیک، توجه به واقعیت‌های محیطی و تغییرات آن است. از آنجا که از منظر سیستمی روند حرکت یک سازمان همواره تحت تاثیر محیط آن است، عدم توجه به شرایط محیطی و تغییرات آن در برنامه‌ریزی سبب اختلال در تحقق برنامه‌های سازمان می‌شود. استاد مصباح در برنامه‌ریزی خود برای موسسه همواره به شرایط محیطی توجه کامل داشتند و در همه موضوعات با لحاظ محیط قریب (حوزه علمیه) و محیط جامع (نظام اسلامی و روابط جهانی) طراحی و برنامه‌ریزی می‌کردند. در زمانی که در بحث برنامه‌ریزی آموزشی برای موسسه خدمت ایشان می‌رسیدیم؛ تاکید ایشان همواره بر این بود که در برنامه‌های آموزشی موسسه؛ وضعیت حوزه به عنوان محیط اصلی فعالیت آموزشی لحاظ شود و در طراحی کلان برای موسسه نیز به وضعیت کشور و حتی نظام جهانی توجه داشتند.

۴. امید به آینده در پرتو توکل و اعتماد به خداوند.

امید به آینده را می‌توان یکی از پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی دانست. برای این که یک مدیر بتواند با انگیزه بالا نسبت به آینده سازمان خود برنامه‌ریزی کند، شرط اول خوش بینی واقعی و امید معقول نسبت به آینده است. استاد مصباح به خوبی از این شرط برخوردار بودند و در شرایطی که کمتر کسی امید داشت در شرایط اجتماعی و سیاسی قبل از انقلاب و وضعیت حوزه در آن زمان، بتوان تحولی در نظام حوزه ایجاد کرد؛ ایشان با امید کامل کار خود را شروع کردند و همواره نسبت به آینده امیدوار بودند. البته امیدواری ایشان یک خوش بینی یا خوش خیالی واهی نبود، بلکه این امید ناشی از واقع بینی ایشان و حسن ظن به خداوند متعال بود. ایشان در پرتو توکل به خداوند و اعتماد بر حضرت حق همواره نسبت به آینده خوش بین بودند و اگرچه با واقع بینی کامل به مشکلات و موانع و دشمنی‌ها واقف بودند؛ اما هیچ‌گاه توکل و امید خود را از دست نمی‌دادند و همواره با امید طراحی و برنامه‌ریزی می‌کردند.

۵. وظیفه‌مداری

یکی از ابعاد مهم برنامه‌ریزی، تعیین هدف و مقصد برای برنامه است. مدیران و انسان‌ها برای تعیین هدف معیارهای مختلفی را مد نظر قرار می‌دهند. برخی صرفا به اهداف دیکته شده از سوی نهادها و مقامات بالاتر بسنده می‌کنند و در واقع خود هدف گذاری نمی‌کنند. برخی نیز با معیارهایی مانند رشد مادی، بقای سازمان، و حتی رشد علمی یا معنوی هدف گذاری می‌کنند. حضرت استاد همواره بر وظیفه‌مداری و تشخیص وظیفه و عمل به آن تاکید می‌کردند. برای بسیاری از مدیران حفظ و بقای سازمان تحت مدیریت یک هدف اصلی و غیرقابل مناقشه و بحث است و اساسا نمی‌توانند به این مطلب بیاورند که شاید لازم باشد سازمان تحت مدیریت را تعطیل کنند؛ اما استاد مصباح همواره تاکید می‌کردند که باید دید وظیفه چیست و بارها می‌فرمودند اگر دیدیم وظیفه نداریم کار را تعطیل می‌کنیم و به دنبال وظیفه می‌رویم.

۶. پایبندی به اصول و ارزش‌ها

استاد مصباح از جهت نظری مناسب‌ترین معنا برای مدیریت اسلامی را مدیریت متأثر از ارزش‌های اسلامی می‌دانستند. ایشان در مقام عمل نیز به این مبنا پای بند بودند و در طراحی و برنامه‌ریزی همواره بر حفظ اصول و ارزش‌ها تاکید داشتند. ایشان نه تنها در مقام اجرا و عمل، بلکه در مقام طراحی و برنامه‌ریزی هرگز اجازه نمی‌دادند طرح و برنامه‌ی تایید شود که با اصول و ارزش‌ها سازگار نباشد.

شده است؛ اما زمانی که ایشان بر اهمیت توجه به علوم انسانی در حوزه علمیه تاکید داشتند، زمانی بود که کسی باور نمی‌کرد که روزی نظام اسلامی در اداره نهادهای خود، تا این حد به علوم انسانی وابسته شود و تا این حد به علوم انسانی اسلامی احتیاج داشته باشد. اساسا در آن زمان کمتر کسی به تشکیل نظام اسلامی در آینده نزدیک باور داشت و اکثر افراد تصویری از آینده نهضت امام نداشتند و نمی‌توانستند پیش بینی کنند که این حرکت به زودی منجر به تشکیل نظام اسلامی می‌شود، چه رسد به این که بتوانند پیش‌بینی کنند که احتیاجات علمی این نظام در آینده چیست؟ در چنین شرایطی استاد مصباح با تیزبینی خاص خود، چند دهه بعد از آن زمان را پیش‌بینی کرده و برای آن طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حتی پس از پایان دفاع مقدس نیز بسیاری از افراد بر اهمیت کار ایشان واقف نبودند. به خاطر دارم که ایشان حدود بیست سال قبل که در افتتاحیه سال تحصیلی حوزه سخنرانی می‌کردند، بر اهمیت پرداختن حوزه علمیه به علوم انسانی، تاکید داشتند. بحمدالله تیزبینی و آینده‌نگری ایشان و طراحی و برنامه‌ریزی دقیقی که در حوزه انجام دادند به این نتیجه منجر شد. در حال حاضر موضوع تولید علوم انسانی یکی از موضوعات مهم در حوزه علمیه محسوب می‌شود و افراد و مراکز زیادی چنین دغدغه‌ای پیدا کرده و کارهای بزرگی در این زمینه در حال انجام است.

آینده‌نگری ایشان محدود به دوران گذشته نبود. علامه مصباح در همین سال آخر عمر پربرکت خود؛ به فکر چهل سال آینده برای گام دوم انقلاب بودند و در جلساتی که در موضوع تعیین اهداف و برنامه موسسه خدمت ایشان می‌رسیدیم بارها تاکید داشتند که آن چه انجام شده مربوط به چهل سال گذشته است و لازم است برای چهل سال آینده طراحی و برنامه‌ریزی شود. ایشان می‌فرمودند بروید و ببینید که نیازهای حال و آینده نظام اسلامی چیست و با لحاظ آن‌ها برای برنامه‌های موسسه و اهداف آن طراحی و تصمیم‌گیری داشته باشید.

۲. جامع‌نگری

یکی از ضرورت‌های برنامه‌ریزی برای یک سازمان؛ جامع‌نگری و توجه به همه ابعاد سازمان است. برای این که یک برنامه محقق شود باید همه اقتضائات و لوازم دیده شده و در برنامه‌ریزی مد نظر باشد. از آنجا که به تعبیر منطقی نتیجه تابع اخس مقدمات است و از منظر سیستمی، تحقق یک سیستم منوط به تحقق همه اجزای آن است، غفلت از یکی از مقدمات یا یکی از خرده سیستم‌ها در برنامه‌ریزی، سبب دست نیافتن به نتیجه و عدم تحقق سیستم مد نظر می‌شود. نگاه حضرت استاد در مدیریت، نگاه جامع‌نگر و همه جانبه بود. از منظر کلان، ایشان توجه داشتند که برای هدف اسلامی کردن علوم انسانی به عنوان هدف اصلی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، هم کار آموزشی و هم کار پژوهشی ضرورت دارد. لذا پس از یک دوره کار آموزشی در موسسه در راه‌حق، برای تداوم و گسترش آن، موسسه امام خمینی را با عنوان موسسه آموزشی و پژوهشی تاسیس نمودند. در همین اواخر و در جلسات بازنگری اهداف موسسه حضرت علامه برای تکمیل کارهای آموزشی و پژوهشی، کار ترویجی را نیز به اهداف موسسه اضافه نمودند. از منظر خرد نیز ایشان برای برنامه‌ریزی در هر یک از اهداف موسسه، به همه ابعاد مادی و معنوی پیشبرد کارها توجه داشتند و در عین این که بر ابعاد مادی مثل جذب نیروی انسانی، تامین مالی، توسعه ساختمانی و... تاکید داشتند بر امور معنوی مثل اخلاص و توکل و... نیز بسیار تاکید می‌کردند.